

ارتباط با منظر در آثار فرانک لویدرایت

Contact Landscape in Frank Lloyd Wright's works

مقدمه

در عصر معماری مدرن، چه در آغاز و چه در زمان رواج آن، نوعی بی تفاوتی نسبت به منظر و طبیعت به چشم می خورد. اما لوکوربوزیه و فرانک لویدرایت اینگونه نبودند. لوکوربوزیه، معماری را با منظر و شرایط طبیعی مرتبط می دانست و برای فرانک لویدرایت، منظر و طبیعت منابع الهام بخشی بودند که از آنها برای پروراندن فرمهای معماری استفاده می کرد.

گذشته از منابع الهام مشترک این دو، لوکوربوزیه و فرانک لویدرایت نگرشهای کاملاً مخالف نسبت به منظر و طبیعت داشتند. نگرش اول مربوط به نوع برخورد است؛ ساختمان مصنوع با منظر طبیعی در تضاد است. این یک ابداع یونانی است که به طور خاص در معابد دوریک دیده می شود و مشخصه فرهنگ برخاسته از سنتهای هلنی است. نگرش غالب در معماری اروپایی تضاد ساختارهای مونوماننتال با فرمهای طبیعی و منظرین است، لوکوربوزیه در ویلا ساوا^۱ به وضوح این ایده را نشان می دهد.

نگرش دیگر تقلید و دنباله روی است. معماری، محل ظهور اثر طبیعی منظر و به نوعی بازتاب طبیعت است. این نگرش بیشتر مشخصه فرهنگ غیرهلنی را دارد و به تمدنهای قبل از کشف امریکا مربوط است. دیدگاهی که فرانک لویدرایت خود را وابسته به آن می داند، این است که ساختارهای مونوماننتال از فرمهای طبیعت پیروی می کند. لوکوربوزیه همچون فرانک لویدرایت معتقد بود که تقدس محیط طبیعی، توانایی اسطوره ای به کلیت معماری می بخشد.



کلود مسو

دکتری تاریخ هنر، استاد دانشگاه پانتئون - سوربن پاریس یک

Claude Massu,
Professor of history of art,
Pantheon university Sorbonne,
Paris 1
Claude.Massu@univ-paris1.fr

ترجمه و تنظیم:

سیده نفیسه موسویان، کارشناس

معماری

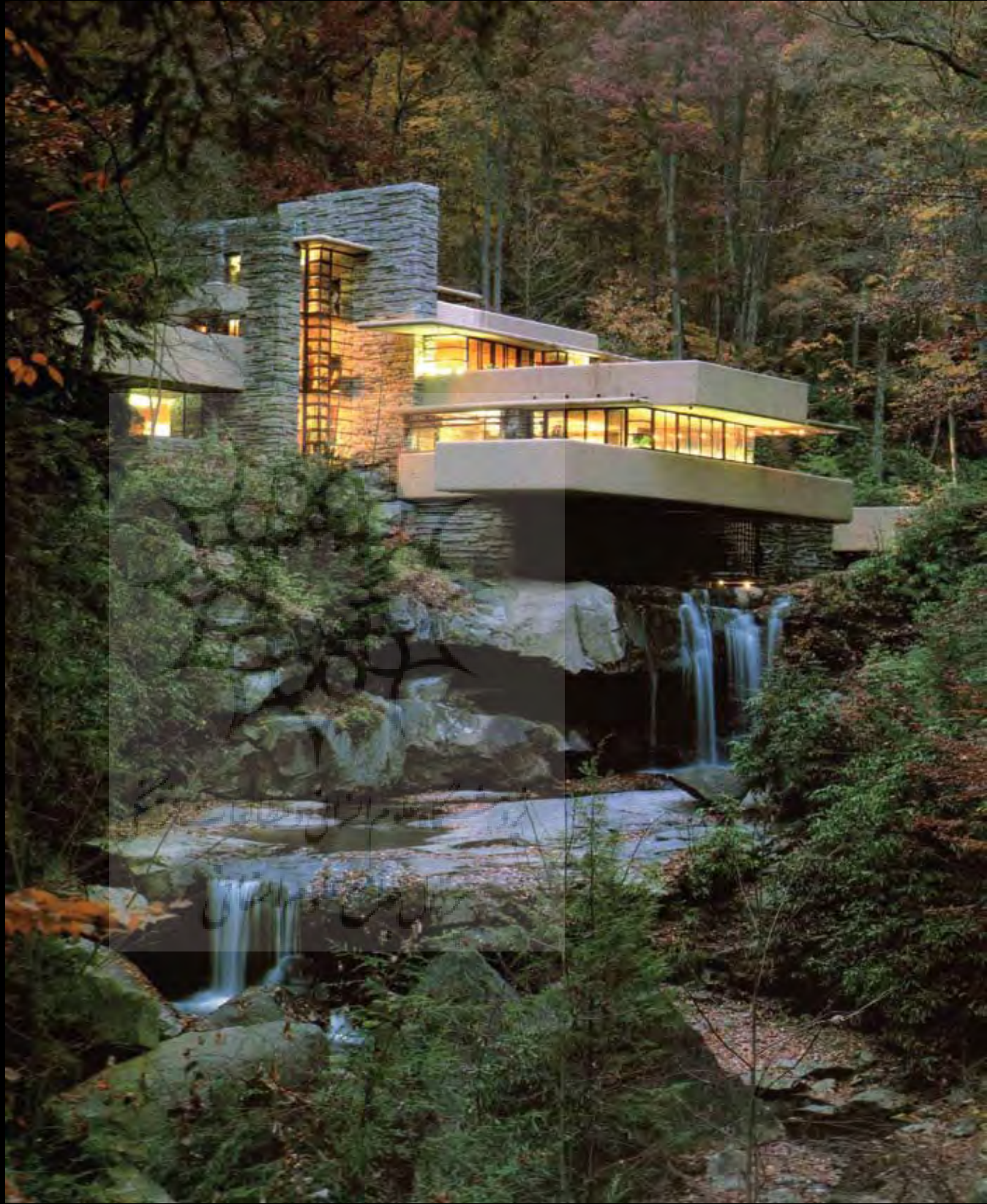
nafisehmousavian@gmail.com

سید محمد باقر منصور، کارشناس

معماری

mohammadmansouri88@yahoo.com

تصویر ۲: خانه Kaufman (آبشار)، پنسیلوانیا، فرانک لویدرایت، ۱۹۲۷-۱۹۳۴.



فرانک لوید رایت : معماری ارگانیک و ارتباط با منظر

از دیدگاه فرانک لوید رایت، انسان با محیط یکی شده و همواره ارتباطی مستمر با آن دارد. سعی رایت بر این بوده است تا از طریق اشکال انتزاعی که مشخصه کارهای معماری اوست، فرم و ریتم‌های غالب منظرین را تداعی نماید. در نگاه او انسان و منظر در یک تعامل دائمی هستند؛ یک جریان پیوسته و زنده آنها را هدایت می‌کند. بدیهی است که این روابط مرکب و چندوجهی است. فرانک لوید رایت می‌تواند آثار خود را با روشی مشابه ژاپنی‌ها یا کرتی‌ها و هم زمان به روش مایاها، در زمین برپا سازد، صفت‌هایی انتزاعی و توده‌هایی تندیس‌وار بسازد که برپایه فشرده کردن اشکال منظرین با قواعد هندسی و ریاضی باشد. همچنین باید بر این نکته اذعان داشت که فرانک لوید رایت به سنت امریکایی ارتباط با سرزمین تعلق دارد، سنتی که توسط هرمان مل ویل^۱، والت ویت من^۲ و مارک توآین^۳ ترسیم شده است.

معماری، همچون تقلیدی از منظر

فرانک لوید رایت ارتباطی قوی با منظر و به طور خاص با دشت‌های وسیع غرب میانه داشت، او می‌نویسد: "به طور غریزی دشت‌ها را دوست داشتم". منظر، منشأ احساسات زیباست.

در این رابطه، در آثار ساخته شده رایت، ۳ نوع منظر قابل تشخیص است: مناظر مرطوب مانند مناظر ایالت‌های ویسکانسین^۴، ایلی نویز^۵ یا پنسیلوانیا^۶، مناظر خشک (به طور مثال در کالیفرنیا) و مناظر ایالت‌های کویری مثل آریزونا^۷.

بین معماری و منظر و میان اشکال محیط طبیعی و حجم‌های ساخته شده، پیوندهای درونی و تناسبات پلاستیک (جسمانی) وجود دارد. معماری افقی بیشتر در صدد ایجاد هارمونی با منظر است تا تضاد با آن؛ چنانکه فرانک لوید رایت می‌گوید: "من این خط افقی کشیده را مانند خط زمین در زندگی انسان‌ها، واقعی می‌بینم". پلان‌های موازی با زمین باعث می‌شود که بناها با زمین و منظر مانوس شود. خط افقی، "خط استراحت" و خط هارمونی با منظر تخت چمنزارهای آمریکایی است.

ادغام با منظر، از همان کارهای ابتدایی رایت، مانند خانه و آتلیه OAK PARK دیده می‌شود. در خانه Winslow a River forest (1893)، رایت از روش طبقه‌بندی و تقسیم بنا به نوارهای افقی مجزا و منطبق استفاده کرد.

مجموعه «خانه‌های چمنزار»، این مسئله ادغام با منظر را به خوبی نمایش می‌دهد: خانه willist (1902)، خانه Heller (1896)، خانه Heurtley (1902)، خانه Robie (1909). متعاقباً خانه usonienne (1937-1936) با سقف‌های صاف و خطوط افقی تشدید شده خود، اندیشه رایت را در این زمینه جلو می‌برد (تصویر ۱).

ارتباط با منظر، همچنین نیازمند بکارگیری مصالح طبیعی است: سنگ، چوب و آجر. توجه به مصالح طبیعی نشان‌دهنده دغدغه رایت برای الهام از عناصر تشکیل دهنده منظر است. ساختن "در طبیعت مصالح" خاص سبک اوست.

رایت با استفاده از خطوط افقی، سقف‌های پیش آمده و تراس‌ها، نوعی پیوستگی با منظر را به نمایش می‌گذارد. برای اینکه از اصطلاح خود او استفاده کرده باشیم، او "از بین بردن جعبه" را می‌شنود. روکردن به منظر بیانگر جهش، حرکت و میل به آزادی است. چنین رویکردی نوعی ذهنیت پیشگام و زندگی کوچ‌نشینانی برای کشف یک سرزمین را تصویر می‌کند. ارتباط با منظر، یکی از اولویت‌های روش زندگی انسان دموکراتیک مدرن است.

برای خانه‌های ساخته شده در کالیفرنیا در دهه ۱۹۲۰، هماهنگی با یک منظره پر از تپه، پاسخ‌های دیگری را طلب می‌کند. ساختن روی شیب یا به صورت شیب‌دار، مسئله اصلی این خانه‌هاست. در اینجا نیز، بازگشت به ساخته‌های مایاها، نوعی نگرشی به منظر را به صورت حجم‌های برآمده از تپه‌ها یا قلعه‌ها، تحمیل می‌کند: خانه‌های Hollyhock, Ennis, Mill art مشهور به "Miniatura" نمونه‌های آن هستند.

مقایسه دو بنای ساخته شده توسط فرانک لوید رایت برای تشریح ارتباط او با منظر بسیار آموزنده است: Taliesin east (1842) که در تپه‌های جنگلی ویسکانسین ساخته شده از طریق بازی کردن با تراس‌ها و غرق شدن در منظره و Taliesin west، که در کویر پهناور آریزونا قرار گرفته با طرح یک چادر صحرایی و به وسیله بلوک‌های سنگی به زمین وصل شده، با منظر ارتباطی ناگسستگی برقرار کرده است. معماری



تصویر ۲: برج H.C.Price، اوکلاهما، فرانک لوید رایت، ۱۹۳۷-۱۹۳۴.



پرتال جامع علوم انسانی

تصویر ۴: Broadacre City، پرسپکتیو از شهر زندگی، فرانک لویدرایت، ۱۹۵۸-۱۹۳۴.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

تصویر ۱: خانه Heurtley در Oak Park، فرانک لویدرایت، ۱۹۰۲.

در اینجا مکمل منظر است و به آن یک تصویر انسانی می‌دهد.

در مسئله توجه به منظر، رایت همواره مسحور فرهنگ ژاپنی بوده است. در یکی از اولین نوشته‌های منتشر شده او با نام «تفسیر» در The Japanes Print (1912)، بر روحیه ارگانیک تمدن ژاپنی که فرهنگ باغ‌ها و تفکر در منظر، از ابعاد اساسی آن است، تأکید کرده است.

خانه Kaufman روی آبشار (1937) Fallingwater ابعاد زیبایی‌شناسانه و سمبلیک مرتبط با منظر را در اندیشه‌های رایت گردآوری می‌کند. به حدی که با صخره‌ای که در اتاق شومینه نمایان می‌شود، به نظر می‌رسد که خانه نتیجه و حاصل منظر صخره‌ای و پر از تپه‌ای است که در آن قرار گرفته است. عناصر طبیعی چهارگانه؛ آتش، هوا، زمین و آب در اینجا حضور دارند (تصویر ۲).

ارتباط با طبیعت، هم چنین مدل‌های طبیعی‌ای است که به عنوان منبع الهام برای راه‌حل‌های فنی به کار می‌رود. رایت در پروژه‌های برج و آسمان خراش خود از درخت برای طراحی این ساختمان‌ها الهام گرفته است. یک هسته مرکزی مانند تنه که طبقه‌ها مانند شاخه‌های درخت از آن طره شده‌اند. این ساختمان بلندمرتبه به همان شایستگی از زمین قد برافراشته که یک درخت در یک منظره طبیعی.

پروژه‌های (1931-1927) St. Mark's-in-the-Bouweri، برج آزمایشگاه‌های (Johnson 1950-1943) a Racine و برج (H.C. Price 1956) Bartlesvill ارتباط با فرم‌های منظرین را به نمایش می‌گذارد (تصویر ۳). این تقلید در فرم‌های کریستالی رایت نیز وجود دارد. کاراکتر بریده شده غیر معمول برخی از فرم‌های او، از مدول‌های مثلثی یا چند ضلعی تبعیت می‌کند. این مدول‌ها در ارتباط با بلورهای اخذ شده از طبیعت است. فرم‌های بلورین، از اصول معماری در منظر خبر می‌دهند. گویی نوعی تمایل به ساخت در منظر طبیعی وجود دارد و معمار فقط می‌تواند از آن تأثیر بگیرد. رایت این فرم‌های بلورین را یا در حجم کلی (که در پروژه کاندرال بتنی Broodacre city می‌توان دید) و یا برای پلان برخی از ساختمان‌هایش (پلان تیپ یک طبقه برج Price) به کار برده است.

شهرسازی منظر

پروژه‌های شهری رایت ارتباطی تنگاتنگ با منظر دارند و از جایگاه آن در دنیای امروز پرشش می‌کند. فرانک لوید رایت در پروژه Broadacre City (نیویورک، ۱۹۳۰) که یک طرح نوسازی است، ارتباط نزدیک میان شهر، منظر و معماری را پیشنهاد می‌کند. او این مسئله را در یک متن، که به چاپ سوم نیز رسیده است، در سه فصل توضیح می‌دهد: "شهر در حال محوشدن"، "وقتی که دموکراسی می‌سازد" و در آخر "شهر زندگی". رایت پیشنهاد آمیزش شهر و منظر را مطرح می‌کند. جوهر پروژه Broadacre City، مدول مربع شکلی است که یک منظر خیالی را در خود دارد. تکرار این مدول می‌تواند تمام سرزمین آمریکا را پوشش دهد.

منظر آرمانی فرانک لوید رایت، توسط خطوط زمین ترسیم می‌شود: مزارع، باغات و مراتع که توسط شبکه بزرگراه‌ها قاب و تمرکززدایی شده‌اند، به عبارتی به واسطه پراکندگی عملکردها در منظر کشاورزی مضمحل شده است. ساکنین شهر، کشاورزانی هستند که از محصولات کشاورزی زمین خود و مبادله مستقیم کالا با همسایگان کشاورز زندگی می‌کنند. مبادلات در بازارهایی اتفاق می‌افتد که در امتداد بزرگراه احداث شده‌است. ساکنین با نوعی منظر کشاورزی مواجه می‌شوند، منظری که سبزی انفرادی، معنای فردیت و غلبه روح بنگاهی را آشکار می‌سازد. Broadacre City به دلیل ارتباط با منظر، نماد اسطوره پیشگام آمریکایی است و روش بارور کردن آن، زمینه توسعه سرزمینی را در قرن ۱۹، فراهم آورده است.

منظر Broadacre City، سرزمین بکری نیست. بلکه فضایی ساخته، پرداخته و بافته شده است که برای کشاورزی استفاده می‌شود. هسته اولیه مسکن در Broadacre City، مزرعه خانوادگی است، تجربه‌ای که زندگی از طریق دامداری را به اندازه زندگی کشاورزی ممکن می‌سازد (تصویر ۴).

آیا Broadacre City امروزه جایگاهی در مسئله منظر شهری دارد؟

ضرورت موضوع توسعه پایدار و نگرانی‌های اکولوژیک، فرصت مناسبی است تا پروژه‌های شهری رایت را به صورتی متفاوت بازبینی کنیم. ارتباط آن با منظر مجدداً سؤالی جدید است.

پروژه Broadacre City در نگاه نخست، از این جهت که بر جابه‌جایی کامل ساکنینی که نمی‌توانند بدون اتومبیل خود به کاربری‌های اساسی شهر همچون کار، تجارت، تفریح و امور اداری دست پیدا کنند تأکید می‌کند، ضد اکولوژیک به نظر می‌رسد. ایجاد رابطه پایدار با منظر کشاورزی، نیازمند هزینه و صرف انرژی بسیار زیادی است. در این مدل شهری، به نظر می‌رسد اتومبیل در دوره پایانی خود بوده و حتی کانسپت شهر را هم از بین برده باشد.

در عین حال، در این پروژه نفی استفاده بیش از حد از اتومبیل نیز دیده می‌شود. با توجه به پراکندگی کاربری‌ها در سطح شهر، جابه‌جایی ساکنین در شعاع مشخصی محدود می‌شود؛ بنابراین هیچ‌گاه کاربری‌ها خیلی دور از هم نیستند. «مجاورت»، تحرک ماشینی را به حداقل می‌رساند. ساکنین در فاصله کمتر از ۵ مایل به کاربری‌های مورد نیاز خود دسترسی دارند: محل کار، آموزش، درمانگاه، مرکز فرهنگی، تفریح در فضای باز و ...

بنابراین Broadacre City می‌تواند در تقابل با پراکندگی شهری، اختلاط بی‌ربط منظر با شهر و همچنین روستا با شهر که جابه‌جایی‌های روزانه گران‌قیمتی را به ساکنین تحمیل می‌کند، تأکید بر مجاورت می‌تواند پروژه‌های رایت را به برخی از تئوری‌های روز در زمینه رشد صفر یا توسعه پایدار ارتباط دهد. Broadacre City به مثابه پیش‌نویسی برای حومه‌های پاسخگو به معیارها و شرایط برقراری یک تعادل اکولوژیک است و برای ساکنین‌اش امکان تجربه جدیدی از رابطه‌ای هماهنگ با منظر طبیعی را فراهم می‌آورد.

فراتر از معماری، در نگرش شهری رایت، مسئله منظر شهری همچنان یک مرجع و موضوع تأمل برانگیز در روزگار ما باقی است ■

پی‌نوشت

۱. Savoy
۲. Herman Melville
۳. Walt Whitman
۴. Mark Twain
۵. Wisconsin
۶. Illinois
۷. Pennsylvania
۸. Arizona
۹. An Interpretation